کافه شاعری

دیدار با سایر محمدی

امروز با دختران پرتقال‌چین

● محسن فرجی ●

احتمالا هفته آینده در ستون کافه شاعری، به دیدار محمد خلیلی می‌رویم. البته قرار بود همین هفته نوبت خلیلی باشد، اما -دروغ چرا- یک کتاب شعر بیشتر از او دم‌دست نداشتم. البته یک کتاب ترجمه هم از خلیلی دارم. ولی دیدم با این دو کتاب، مجبورم که یک‌جوری مطلب را سر هم بیاورم و دلم راضی نمی‌شد. این بود که گفتم زنگ بزنم به سایر محمدی و از او، شماره تلفن محمد خلیلی را بگیرم. یعنی می‌خواستم به خلیلی زنگ بزنم و برای نوشتن مطلبش، از روی دست خودش تقلب کنم! اما قبل از اینکه شماره سایر را بگیرم، با خودم گفتم چرا اصلا خود سایر محمدی به ستون کافه شاعری نیاید؟ مگر طفلکی علاوه بر آن همه شعر خوب، کم برای ادبیات ما خون دل خورده و زحمت کشیده؟ خلاصه، دردسرتان ندهم. زنگ زدم به سایر و شماره محمد خلیلی را گرفتم اما قبل از آنکه به خلیلی زنگ بزنم شروع کردم به نوشتن همین مطلبی که می‌خوانید: خیلی سال است که در صفحه آخر روزنامه ایران، ستون ثابتی جا خوش کرده است به اسم «امروز با...». اگر این ستون را دیده باشید، دیده‌اید که هر روز در آن با یک شاعر یا نویسنده و مترجم، پژوهشگر و ... گفت‌وگوی کوتاهی شده است. شاید دقت نکرده باشید که ببینید کسی که سال‌هاست این ستون را سر پا نگه داشته و یک‌تنه همه آن گفت‌وگوها را انجام می‌دهد، کیست. جواب ساده و روشن است؛ یک شاعر ۵۱ساله بابلسری به اسم سایر محمدی که دو مجموعه شعر خوب به ادبیات امروز ما افزوده است. اما بی‌ادعا و صبور، با خیلی‌ها که شاید جایگاه و منزلت ادبی خود او را ندارند، گفت‌وگو کرده است و همچنان گفت‌وگو می‌کند. تازه ستون «امروز با...» فقط یکی از کارهای مطبوعاتی سایر محمدی است. او در این سال‌ها یکی از پرکارترین خبرنگاران ادبی بوده و در خیلی از روزنامه‌ها و مجلات حضور داشته است. اینها را گفتم تا بعد کتاب‌های سایر را تورقی کنیم و بعدتر اشاره کنیم به اینکه همین مطبوعاتی بودن، چه به روزگار شعر و شاعری سایر آورده است. اما در گفته ما آمد که او دو دفتر شعر دارد؛ یکی از آنها، «ترانه‌های تمشک و باران» است که به سال ۱۳۷۴ درآمده و دیگری «دختران پرتقال‌چین» که سال نشرش به ۱۳۷۶ برمی‌گردد. در هر دوی این کتاب‌ها شاعر در سکوت خود نشسته و به طبیعت می‌نگرد. اما این نگاه او به طبیعت نه مانند شاعران قدیم برای توصیف آن است و نه مثل برخی شاعران امروز، همچون کاظم‌سادات اشکوری، برای ستایش طبیعت. سایر به طبیعت نگاه می‌کند و از دل عناصر آن، چیزهایی را بیرون می‌کشد تا شباهت آنها را با زندگی امروز و شهر و اجتماع دودآلود نشان دهد. سایر آخرین مجموعه شعر خود را در سال ۷۶ درآورده و ۱۱ سال است که جای او در فضای نشر شعر، خالی است. شاید حدس زده باشید که چرا این اتفاق افتاده است. اگر هم حدس نزده‌اید از زبان خودش بخوانید: «دلیلش این است که من با چند نشریه همکاری دارم و به آنها مطلب می‌دهم. به همین خاطر فقط ۴ ساعت وقت دارم که در آن ۴ ساعت هم می‌خوابم.» سایر حالا کلی شعر و یک رمان نیمه‌کاره و نوشته‌های پراکنده دیگری دارد که حتی مجال بازخوانی آنها را پیدا نمی‌کند. آخر او سه فرزند دارد، دو دختر و یک پسر که هر سه دانشجو هستند و در دانشگاه آزاد درس می‌خوانند. سایر می‌گوید: «منتظرم هزینه‌های آنها کمتر بشود تا من هم به کار خودم بپردازم.» البته او در این سال‌ها چند کتاب هم درآورده، اما هیچ‌کدام آنها شعر نبوده یا لااقل شعر خودش نبوده است. اجازه بدهید از اتاق فرمان بپرسم که مجالی برای نوشتن یک شعر هست یا فرصت ملاقات با سایر تمام شده است. می‌گویند اندازه یک شعر کوتاه فرصت داریم. پس این شعر را از کتاب «ترانه‌های تمشک و باران» بخوانید: **«سینه سرخ/بر جگن‌های خشک تمشک می‌خواند/لکه‌ای قرمز/بر دامن کبود نیلوفر می‌ماند/نه بر شاخه تمشک گل ماند/نه نیلوفر کبود/از لکه تن تکاند/چگونه گذشت/این فصل خیال/این سال شغال؟»**

کافه کتاب

ژاپنی‌ها نیز مردمی‌هستند

● احسان عابدی ●

گمان می‌کنم هنوز هم می‌توان درباره ماهیت شعرگونه هایکو شک کرد، به خصوص در میان مردمانی که به زبان‌آوری و پیچیدگی فکری شهرت یافته‌اند. دوست فرهیخته‌ای را می‌شناسم که نه صد و یک هایکو، بلکه هزار و یک هایکو را در ساعتی خواند و سرآخر گفت که چی؛ نه گویای عجز و التماس عاشق است و نه شرح ناز و غمزه معشوق. نه مدح و ستایش است و نه نفرین و حتی دریغ از یک ذره نصیحت. پس هایکو به چه کار می‌آید؟ الله و اعلم، به خصوص که تعداد اندک سطرهایش هم امکان روایت یک داستان را در قالب شعر می‌گیرد. مثل همان مبدعان عجیب و غریبش می‌ماند، ژاپنی‌هایی که به جای قاشق و چنگال با دو تا چوب غذا می‌خورند. حتی در کت و شلوار هم یادآور سامورایی‌های فیلم‌های «کوروساوا» هستند، آدم‌هایی که خیلی کم حرف می‌زنند و به جای آن ساعت‌ها به یک نقطه خیره می‌شوند. در هیجانی‌ترین لحظات زندگی و آن گاه که بر هست و نیست جهان طغیان می‌کنند، کلامشان چیزی نظیر این می‌شود: **«در طول راه کوهستان / قلبم را می‌رباید / بنفشه‌ای وحشی»**

یک هایکو، یک شعر کوچک و جمع و جور که هیچ ربطی به شور عارفانه ما ندارد. متعلق به دنیایی دیگر است، با مختصاتی دیگر اما این دنیا آن‌قدرها هم پیچیده نیست که عاجز از درک و فهمش باشیم. فقط کافی است که به طریقی غیر از روش‌های آموخته‌مان با آن مواجه شویم. هایکو، هایکو است، نه غزل، نه قصیده، نه رباعی، نه مثنوی، نه شعر نیمایی و... یک تصویر است، یک نقاشی یا یک عکس. شاید نقاشان و عکاسان و علاقه‌مندان این هنرها قدرت بیشتری برای فهم ریزه‌کاری‌های آن داشته باشند، اما نیازی نیست که حتما عکاس و نقاش باشیم. با کمی تخیل هم کارمان راه می‌افتد. می‌توانیم خودمان را در این فضا تصور کنیم، در کوهستان یا بیشه‌زار، جایی که الهام‌بخش هایکوسرایان کلاسیک است، در طبیعت ناب و همه این عناصر را با نگاهی غیر از همیشه ببینیم، گو این که اولین بار است با آنها مواجه می‌شویم و درباره هستی آنها پرسش کنیم، مثال کودکی که تازه به جهان چشم باز کرده است؛ همه چیز شگفت‌آور می‌شود. می‌گویند، «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل». مثل کوتاهی هایکو است و معانی بسیار آن که نانوشته مانده است، آنچنان که پگاه احمدی، مترجم کتاب «صد و یک هایکو» در مقدمه آن به «معنای نهان» هایکو اشاره می‌کند و می‌نویسد: «این معنا گاه در سطرها گفته نمی‌شود بلکه شاعر، خواننده را بر جایگاهی می‌نشاند که می‌تواند از آنجا او را به دنیایی فراتر از آن چه صورت شعر می‌نمایاند رهنمون شود... ناگفته‌های هایکو هر چه بیشتر باشد، هایکو از شاعرانگی بیشتری برخوردار می‌شود. این تکنیک از آیین ذن نشأت می‌گیرد، آیینی که به یگانگی انسان با کل هستی و طبیعت اعتقاد دارد. این آیین در نقاشی‌های ژاپنی نیز به صورت فضایی تهی جلوه‌گر می‌شود. گاه از گوشه چپ تابلو، شاخه گیلاسی به درون تابلو آمده و هشتاد درصد دیگر تابلو، بیکرانی سفید، مه‌آلود و رازگون است...» یکی از نمونه‌های عالی هایکو شعری است از «باشو» شاعر شهیر ژاپنی که ترجمه‌اش در کتاب «صد و یک هایکو» چنین شده است: **«علف‌های تابستان / همه آن چه به جا مانده / از رویاهای یک سرباز»**

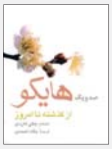

■ صد و یک هایکو
انتخاب جکی‌هاردی
ترجمه: پگاه احمدی
ناشر: کتاب خورشید
چاپ: زمستان ۱۳۸۶

هرچه در این شعر دقیق‌تر می‌شوم، بیشتر لذت می‌برم. فضای شعر راه را برای تخیل باز می‌گذارد و قدرت تاویل‌پذیری متن را بیشتر می‌کند؛ زمان، تمام آرزوهای سرباز را از میان برده و تنها چیزی که بر جا مانده، طبیعت است، طبیعتی که برخلاف رویاهای سرباز، رنگ واقعیت دارد و حقیقی ازلی و ابدی است. در مجموعه «صد و یک هایکو» چندین شعر دیگر نیز از «باشو» وجود دارد که ای کاش بیشتر بود؛ با این که بدون اغراق «باشو» بهترین هایکوسرای ژاپن بوده، اما جکی هاردی مترجم انگلیسی این کتاب ترجیح داده است که از شعرهای شاعران مختلف استفاده کند، شاعرانی که گاه غیر ژاپنی و غربی هستند و با این حال تلاش کرده‌اند که این گونه شعر را هم تجربه کنند، اما چه باک! شعر آنها را هم می‌خوانیم، بلکه شاید لذت ببریم.

گزارش اعتماد ملی
از گشایش نخستین پارک زنان

آزادی در سایه حجاب گیاهی

● فهیمه خضرحیدری ●

● عکس: شیرزنان

زنان ایرانی در طول سال های گذشته در پوکی استخوان، افسردگی، عصبیت، چاقی، بیماری های زودرس قلبی و عروقی و دردهای خاموش دیگر، رکوردهای قابل تاملی به نام خود ثبت کرده‌اند. ۵۰ درصد زنان بالای ۵۵ سال و ۹۰ درصد زنان بالای ۷۵ سال ایرانی از پوکی استخوان رنج می برند و بی‌بهره بودن از فضاهای آزاد ورزشی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل این رنج شناخته شده است. شاید نگاه گذرایی به همین آمار است که مدیران شهری را بر آن داشته تا به فکر گشایشی در موضوع «ورزش همگانی زنان» دست کم در شهرهای بزرگی مثل تهران بیندازند. شاید هم افتتاح «بهشت مادران» در تقاطع بزرگراه‌های همت و حقانی، حاصل تغییر نگاه و رویکرد مدیریت شهری در نتیجه افزایش خواست اجتماعی زنان برای زندگی بهتر و استفاده بیشتر از امکانات و فضاهای عمومی موجود باشد و شاید هم گزینه صحیح، تلاش بیشتر دولت و همفکرانش برای تفکیک فضاهای اجتماعی و ادامه جریان «زنانه - مردانه» کردن اتوبوس، مترو، شهر و زندگی. هر چه هست از دو هفته پیش تا به حال بوستانی «زنانه» در یکی از نقاط نسبتا خلوت پایتخت، درهایش را به سوی زنان مشتاق ورزش و تحرک باز کرده و از صبح زود تا ساعت ۸ شب به آنها فرصت می دهد تا پوشش های قانونی خود را بکنند و سراسیمه و فراری از گرمای طاقت‌فرسای تهران که با پوشش های قانونی گرم‌تر هم می شود، ساعتی با خود پنهانشان رو به رو شوند و تعجب کنند از اینکه چقدر با آفتاب و هوای تازه بیگانه‌اند!

چند نفری از آقایان پشت نرده‌های بلند نخستین پارک زنان تهران ایستاده‌اند و با نگهبانان پارک بحث و جدل می‌کنند. بعضی از آنها بعدازظهرها برای قدم‌زدن یا دویدن به این پارک می‌آمده‌اند و یا ورزش صبحگاهی‌شان را در آنجا انجام می‌داده‌اند. بعضی هم فقط هوای تازه و عطر درختانش را می‌خواسته‌اند اما حالا تنها بوستان نزدیک خانه‌شان «زنانه» شده و دیگر «مردان» اجازه ورود به آن را ندارند. نگهبان‌ها که مامورند و معذور توضیح می‌دهند: «اعتراض‌های زیادی شده و به همین خاطر تصمیم گرفته‌اند ساعاتی از روز و قسمت‌هایی از پارک را به خانواده‌ها اختصاص بدهند تا آقایان هم بتوانند بیایند. منتها قسمت خانواده‌ها باید کاملا پوشیده شود تا هیچ دیدی به قسمت زنان نداشته باشد!» درهای «باغ نشاط» که یکی دو هفته‌ای است به «بهشت مادران» تغییر کاربری داده، به روی زنان باز است. هنوز خیلی از زنان تهرانی از وجود آن خبر ندارند. با وجود این، تعداد زنانی هم که گوشه و کنار پارک بدون حجاب اسلامی، با بلوز و شلوار کتانی، می‌دوند یا نرمش می‌کنند کم نیست. دو، سه روزی است که پارک افتتاح شده است، در پیچ و خم راه‌های آسفالت‌شده آن و میان زنانی که آزادانه و بدون حجاب اسلامی قدم می‌زنند؛ نگهبان‌های زن با پوشش یونیفرم سرمه‌ای و سوت ورزشی‌ای که به گردن دارند، تنها زنانی هستند که همچنان مقنعه به سر می‌کنند. نگهبانان، خدمه نظافتی پارک، باغبانان، مسوولان فضای سبز و سرپرست‌های انتظامات با مانتو، شلوار و مقنعه؛ تنها «محجبه»های این بهشت‌اند. وظیفه نگهبانان زن، حراست از فضای زنانه بوستان و جلوگیری از ورود «عناصر ذکور» به دنیایشان است. می‌پرسم: «اگر مردی وارد شد، چطور می‌خواهید جلوی او را بگیرید؟ اصلا اگر گروهی از اراذل به اینجا حمله کنند، شما چطور از پس‌شان برمی‌آیید؟» می‌گوید: «نگران نباشید. ما آموزش‌های لازم را دیده‌ایم و ضمنا سوت داریم! اگر نتوانیم کاری بکنیم، سوت می‌زنیم تا مردان نگهبان که دم در هستند برای کمک بیایند. نگران نباشید. اینجا امن است!» برخلاف نگهبان‌ها اما زنان و دخترانی که با هیجان پارک اختصاصی‌شان را تجربه می‌کنند، مشتاق حرف زدن از تجربه عجیب‌شان هستند. دختران دانش‌آموز با مانتو و شلوار بلند و گشاد مدرسه بالا و پایین می‌پرند و موهای «آفتاب و مهتاب ندیده‌شان» را به دست نسیم خنک صبح پنجشنبه سپرده‌اند:

- واااای! اینجا خیلی خیلی خوب است. برای دویدن و پیاده‌روی عالی است. اگر الان مقنعه سرمان بود که در این هوا کلافه می‌شدیم اما این طوری بدون مقنعه خیلی خوب است.

مدرسه‌تان به اینجا نزدیک است؟

نه! اما وقتی شنیدیم اینجا باز شده، آمدیم ببینیم چطوری است.

اینکه این فضا فقط زنانه است شما را اذیت نمی‌کند؟

نه این برای جامعه ما یک مزیت است. در جامعه ما به خاطر طرز تفکر غالب در مردم نمی‌توان فضاهای مشترک امنی داشت. الان جامعه ما جوری است که ما واقعا - جدای از بحث حجاب - در حضور مردان نمی‌توانیم راحت باشیم و احساس امنیت کنیم. این اتفاقی است که افتاده و حالا ما خیلی راه داریم که به فضاهای عمومی راحت و آزاد برسیم.

ورزش از نان شب برای زنان واجب‌تر است!

خبرگزاری شین‌هوا چندی پیش اعلام کرد که بنا به نظر پزشکان دانشگاه بروکات در آلمان، ورزش کردن در زنان بیش از مردان خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی را کاهش می‌دهد. بر همین اساس زنانی که ورزش می‌کنند تا ۴۰ درصد کمتر از مردان در معرض خطر ابتلا به سکته قلبی قرار دارند. از سوی دیگر نتیجه بررسی طولانی‌مدت محققان درباره ۳۸۰ زن در حوالی سن یائسگی نشان می‌دهد، فراوانی اختلالاتی نظیر تنش‌های عصبی و روحی، اضطراب و افسردگی در زنان میانسالی که به طور منظم ورزش می‌کنند، به مراتب کمتر از دیگر همسالان نشان است. شاید زنانی که بلافاصله پس از آغاز به کار نخستین پارک زنان تهران، به اینجا آمده و در تابش آفتاب نشسته‌اند هم نگران سلامت جسم و روح خود هستند که در چشمانشان می‌توان چنین اشتیاق و رهایی‌ای را باز شناخت. دو زن میانسال با بلوز، شلوار، عینک آفتابی و بدون روسری، دو نیمکت آفتابگیر را برای نشستن و روزنامه خواندن در فضای طبیعی پارک انتخاب کرده‌اند. معلوم است که کمی دویده‌اند و تازه دارند نفس تازه می‌کنند.

شما از کجا متوجه شدید که این پارک افتتاح شده؟

رادیو و تلویزیون در خبرهایشان درباره افتتاح این پارک می‌گفتند. چند تا از روزنامه‌ها هم نوشته بودند.

نظرتان درباره وجود چنین فضایی چیست؟

به نظر من حرکت مثبتی است و ما واقعا به آن نیاز داریم اما از این نظر که دارند زنان و مردان را از هم جدا می‌کنند ما هم موافق نیستیم. این همه جداسازی معنی ندارد اما خب حالا که قوانین مملکتمان این طوری است حداقل چنین فضاهایی داشته باشیم، بد نیست.

از چه نظر بد نیست؟

گرفتاری زندگی در ایران خیلی زیاد شده و گرفتاری زنان هم دو برابر است. زمانی که من به اطراف خودم نگاه می‌کنم می‌بینم همه زنان مریض‌اند، افسرده‌اند و هیچ امکان تحرکی ندارند. این وضعیت در شهرستان‌ها خیلی هم بدتر است. حداقل این فضا کمک می‌کند که زنان گاهی بتوانند روسری‌هایشان را بردارند و بیایند اینجا هوا بخورند و ورزشی بکنند.

عده‌ای پیش‌بینی می‌کنند گسترش این پارک‌ها ممکن است عامل جلوگیری از ورزش زنان در پارک‌های عمومی شود. (زنی دیگر با لباس اسپورت خنک، بلوز بدون آستین و شلوار کتانی که آن را تا زانو بالا زده تا استخوان‌هایش ذرات آفتاب را ببلعند، در کنار او نشسته است. او هم نگاه دوست همراه خود را تایید می‌کند): همه ما به خاطر این نوع پوششی که به ناچار داریم، مریض شده‌ایم. یا در آپارتمان‌های کوچک هستیم و یا در بیرون از آپارتمان هم با پوششی که داریم خودمان را بسته‌ایم. اما خب دست‌کم اینجا یک آزادی نسبی‌ای برای ما هست که همین هم باز جای شکرش باقی است.»

شما ورزش می‌کنید؟

کمابیش بله. از این به بعد هم تصمیم دارم در این پارک بیشتر ورزش کنم چون دویدن و ورزش کردن با لباس و روسری خیلی کار طاقت‌فرسایی است. به نظر من ورزش از نان شب برای زنان واجب‌تر است.

به نظر شما همه زنان امکان دسترسی به این فضا را دارند؟

فکر نمی‌کنم اصلا همه از وجود اینجا باخبر باشند. زنان اکثرا بی‌حال و افسرده‌اند. تفریح و تحرک ندارند. ویتامین D به بدنشان نمی‌رسد. ما این همه در این مملکت ساحل داریم اما حق استفاده از آنها را نداریم و طبیعی است که وقتی همین پارک را هم در اختیارمان قرار بدهند، حسابی عقده‌گشایی می‌کنیم. من به همه دوستانم توصیه می‌کنم که این پارک را از دست ندهند.

حمام آفتاب برای زنان

کارشناس فضای سبز است و بر اداره ۱۹ هکتار فضای سبز «بهشت مادران» نظارت مستقیم دارد. پشت وانت نشسته و با دو همکارش در بوستان چرخ می‌زنند: «کارشناس‌های ما در سطح پارک پخش هستند و کارگران فضای سبز زیر نظر آنها کار می‌کنند.»

چه ورزش‌ها و فعالیت‌هایی در این بوستان برای زنان در نظر گرفته شده؟

سالن توپی برای بازی‌های والیبال و بسکتبال وجود دارد. سالن ایروبیک و ورزش‌های بدنسازی و پیست دوچرخه‌سواری هم داریم. در این بوستان یک خانه سلامت هم در نظر گرفته شده که مشاوره مامایی و خانواده و از این قبیل چیزها را پیشنهاد می‌دهد. در خانه فرهنگ بوستان هم خدمات اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌شود و هم یک خانه اسباب‌بازی هست که خانم‌ها اگر بچه‌هایشان را همراه داشته باشند، می‌توانند آنجا بگذارند. کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های غیرورزشی هم در این خانه فرهنگ برگزار می‌شود.

بوستان به این بزرگی استخر و امکاناتی برای ورزش شنا ندارد؟

نه. هنوز ندارد اما در آینده قرار است قسمت بزرگی را برای «حمام آفتاب» خانم‌ها آماده کنند. البته امکانات پوششی آن آماده شده و کاملا استتار است و از این نظر موردی ندارد. از یکی، دو ماه آینده که از نظر امنیتی کاملا مستقر شویم و پوشش‌های دیوارها کامل شود، حمام آفتاب هم راه می‌افتد. البته زمین چمن و سالن تیراندازی و تیر و کمان هم داریم که خانم‌ها می‌توانند استفاده کنند.

بوستان کلا چند نفر نگهبان دارد؟

تقریبا ۲۰ نفر خانم‌های نگهبان نیروی انتظامی می‌باشند و ۲۰ نفر هم بعدازظهرها هستند. آقایان هم جلوی درهای ورودی مستقرند. تعدادی هم نیروی مرد در اطراف پارک در حال گردش هستند. نیروی مرد فقط همین گروه می‌باشند وگرنه سایر نیروهای پارک، همه زن هستند. از تاسیسات، اداری و باغبانی گرفته تا انتظامات و نگهبانی داخل.

از نظر تامین امنیت این فضا نگرانی ندارید؟

به نظر من نه، همه چیز حساب‌شده است. آوردن دوربین که به طور جدی ممنوع است و موبایل‌های دوربین‌دار را هم قرار است بگیرند تا خانم‌ها فضای امنی داشته باشند.

و این یعنی امنیت؟ آن هم در فضایی که این طوری تفکیک شده. همین تفکیک، ضریب ناامنی آن را افزایش نمی‌دهد؟

اطراف ما کاملا تحت نظر است. اینجا هم با انواع پوشش‌های نرده‌ای و فلزی پوشیده شده است و موتورسوارها هم دورتا دور از بیرون نگهبانی می‌دهند. شب‌ها هم معابر روشن است.

هیاهوی بسیار برای هیچ!

تاسیس پارک زنان تهران اما این طورها هم که به نظر می‌رسد ساده و بدون فراز و نشیب نبوده است. با وجود آنکه مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران از گشایش و آغاز به کار ۴ پارک زنانه دیگر به نام‌های پارک مادر آزادگان، پارک مادر قائم، پارک مادر چیتگر و پارک نرجس در تهران خبر داده است اما موافقان و مخالفان این فضاها همچنان بر نظریات خود پافشاری می‌کنند. پارک‌های زنانه بعدی در سه منطقه جنوب‌شرقی، جنوب‌غربی و شمال‌غربی تهران افتتاح خواهند شد و با حصارهای چوبی و گیاهی استتار می‌شوند. تاسیس پارک‌های زنان در تهران، مصوبه شورای شهر پایتخت را دارد. منتخبان مردم تهران در اولین شورای شهر پایتخت، احداث پارک‌هایی ویژه زنان به منظور ترویج ورزش همگانی میان شهروندان زن را تصویب کردند. شورای دوم شهر تهران کار شورای اول را ادامه داد و با «جانمایی» این پارک‌ها در سطح شهر و تعیین سقف بودجه میلیاردی برای آن، پرونده بوستان‌های زنانه را یک گام دیگر به پیش برد. زمانی که محمود احمدی‌نژاد شهردار کلانشهر تهران بود، تاسیس مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و مجهزترین پارک زنانه تهران، یعنی پارک آزادگان در بزرگراه آزادگان به تصویب شورا رسید که امروز و در دوره مدیریت محمدباقر قالیباف در شهر تهران وعده داده می‌شود که در تیرماه جاری درهای آن به روی زنان تهرانی باز خواهد شد. پروژه پارک‌سازی اختصاصی برای زنان اگر چه مستقیما از شورای شهر پایتخت هدایت می‌شود اما مخالفانی هم در شورا دارد. معصومه ابتکار عضو اصلاح‌طلب شورای شهر تهران گشایش چنین فضاهایی و صرف بودجه برای آنها را دامن زدن به تفکیک جنسیتی در شهرها ارزیابی کرده و بسیاری از فعالان در حوزه مسائل زنان نیز تفکیک فضاهای شهری را مانع از گسترش عادلانه امکانات برای زنان و مردان در کنار یکدیگر می‌دانند و می‌پرسند در حالی که نظریه‌های اجتماعی تاکید دارند توزیع عادلانه امکانات شهری یکی از دلایل اصلی رفع ناامنی است آیا با اتکا به اقدامات تفکیکی می‌توان ناامنی‌های موجود را از بین برد؟ این گروه، زنانه - مردانه شدن مراکز، معابر و اماکن عمومی، به ویژه تفریحی و ایجاد تفکیک در زمان سرگرمی و گردش و نشاط را به «آپارتاید و جدایی جنسی» تعبیر می‌کنند. اما نظرات ضد و نقیض درباره بودن یا نبودن پارک‌های زنان، اختلافاتی را در بدنه شهرداری تهران نیز به وجود آورده است. از چندی پیش که شهرداری تهران وسایل ورزشی و بدنسازی را در پارک‌ها و فضاهای عمومی شهر نصب کرد، بیشترین مخاطب این وسایل زنان بودند. اما منابع آگاه از درون شهرداری تهران خبر از مخالفت جدی معاونت اجتماعی شهرداری تهران با ورزش کردن زنان در پارک‌های عمومی می‌دهند. احمد نوریان که از جمله خشک‌اندیش‌ترین مدیران شهرداری پایتخت شناخته می‌شود، ورزش کردن زنان در پارک‌های عمومی و تماشای مردان را به عنوان امری خلاف اسلام و اخلاق به سایر مدیران شهر تهران تذکر داده است. این در حالی است که شهردار تهران بارها تاکید کرده، بنا دارد از تمام ظرفیت‌های جامعه برای حضور زنان استفاده کند. او که در کارنامه کاری خود ساخت ۱۲۰ سالن ورزشی اختصاصی برای زنان تهرانی را دارد، همچنین در مراسم گشایش «بهشت مادران» گفت: «هیچ وقت فکر نکرده‌ایم که زنان هم باید در این شهر زندگی کنند.» و به این ترتیب بر تعلق ۵۰ درصد از تمام فضاهای شهری به زنان تاکید کرد. با وجود این نگرانی‌ها درباره مشکل‌ساز شدن این پارک‌ها برای زنان همچنان ادامه دارد و عده‌ای پیش‌بینی می‌کنند گسترش این پارک‌ها ممکن است عامل جلوگیری از ورزش زنان در پارک‌های عمومی شود و در نتیجه ورزش همگانی را که یکی از مهم‌ترین نیازهای زنان است، بیش از پیش به حاشیه برانند.

دماسنج زمین

پیشرفت بدون تحول

● امیر علیزاده ●

دو هفته‌ای از پایان نهمین دوره کنفرانس جهانی سازمان ملل برای حفظ تنوع زیستی در بن آلمان می‌گذرد. اما از آنجا که این بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کنفرانس سازمان ملل در مورد طبیعت است و نمایندگان ۱۹۱ کشور و پنج هزار کارشناس در آن شرکت کردند، و چون رسانه‌های کشور هم در میان هیاهوی خبری روزمره جایی برای حفظ گونه‌های جانوری و گیاهی در خطر جهان نداشته‌اند، در این چند سطر به نتایج آن پرداخته‌ایم.

این کنفرانس با اخبار خوبی به پایان رسید، حداقل از نظر آقای زیگمار گابریل، وزیر محیط زیست آلمان. او در همه جبهه‌های محافظت بین‌المللی از طبیعت پیشرفت‌هایی را اعلام کرد. با این وجود فعالان محیط زیست نتایج کنفرانس بن را ناکافی می‌دانند.

وزیر محیط زیست آلمان معتقد است در نشست بن بر رکود حرکت‌های جهانی در زمینه حفاظت از محیط زیست، غلبه شده و به توافق‌هایی مشخص برای حفاظت از منابع طبیعی رسیده‌اند. یکی از جدی‌ترین نتایج این نشست تعیین مناطق حفاظت‌شده در دریاهای سراسر جهان بود. علاوه بر آن می‌توان توافق بر سر مبارزه با «چپاول زیستی»، تنظیم آیین‌نامه‌ای برای دسترسی همه کشورها به منابع بیولوژیک و ژنتیکی و تقسیم منصفانه سود حاصل از منابع طبیعی را از دستاوردهای قابل توجه نهمین کنفرانس حفظ تنوع زیستی سازمان ملل دانست. شرکت‌کنندگان در کنفرانس همچنین توانستند بر سر طرحی به توافق برسند که خطوط راهبردی تا کنفرانس بعدی را که قرار است در سال ۲۰۱۰ در ژاپن برگزار شود، تعیین می‌کند.

یکی از مشکلات اختلاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بر سر منافع اقتصادی است. به عنوان نمونه حجم زیادی از داروهای مصرفی در کشورهای ثروتمند از جنگل‌های بارانی‌ای که در خطر نابودی قرار دارند تهیه می‌شود و کشورهای صاحب آن جنگل‌ها می‌گویند برای آنها هم حفظ این تنوع زیستی باید توجیه اقتصادی داشته باشد. در این نشست مقرر شد که شرکت‌های تولیدکننده دارو و لوازم بهداشتی، باید کشورهایی را که از موادی در طبیعت‌شان استفاده می‌کنند، در سودشان سهیم کنند. خانم آنگلا مرکل هم که به دلیل اهمیتی که برای محافظت از محیط زیست قائل است در آلمان «صدراعظم سبز» لقب گرفته، اعلام کرد دولت آلمان کمک خود برای محافظت بین‌المللی از جنگل‌ها را از ۲۱۰ میلیون یورو تا سال ۲۰۱۳ به ۵۰۰ میلیون یورو افزایش خواهد داد.

اما گروه‌های زیست‌محیطی راضی نیستند. یکی از مسوولان صندوق جهانی حیات وحش (WWF) گفت که با وجود برخی پیشرفت‌ها، آن تحول بزرگ متاسفانه اتفاق نیفتاد. او می‌گوید یک نشست رهبران کشورها لازم است تا اهمیت محافظت از طبیعت برای اقتصاد جهانی و مبارزه با فقر روشن شود.

در حال حاضر ۱/۷ تا ۱/۸ میلیون گونه جانوری و گیاهی وجود دارد که خطر انقراض تهدیدشان می‌کند. بر اساس تخمین‌های کارشناسان تقریبا هر ۲۰ دقیقه یک گونه زیستی از بین می‌رود. در این وضعیت وحشت‌برانگیز، آقای گابریل که تا کنفرانس بعدی رئیس مجمع سازمان ملل است، وظیفه خطیری بر عهده دارد. او باید مراقب این باشد که کشورهای عضو از مصوبات این نشست پیروی کنند و مذاکرات بین‌المللی محافظت از طبیعت به بن‌بست نرسد.

کافه عکس

قایق در پیاده‌رو

● مریم مجد ●

این قایق نزدیک به پانزده سال است که در پیاده‌رو زیر پل آهنگ به گل نشسته. بعضی از شهروندان که پیگیرتر بوده‌اند بارها با شهرداری منطقه تماس گرفته‌اند اما قایق همچنان میهمان محله آنهاست. شاید اگر به جای این قایق دستفروشی بساطش را پهن کرده بود، شهرداری اقدام ضربتی‌تری می‌کرد.